



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۹ آذر ۱۳۸۹

۱۰ دسامبر ۲۰۱۰

حزب حکمتیست

ویکیلیکس، روزنه ای بر حقایق و چماق اینترنت

ویکیلیکس با افشای هزاران سند محرمانه از دیپلماسی مخفی و قرارها و برنامه های پشت پرده دولتهای مرتجع، با رو کردن دویست و پنجاه هزار سند از مکاتبات محرمانه وزارت خارجه و دفاع آمریکا، چشم بشریت متمن را بر روی حقایق باز کرد که چهره کریه و ضد انسانی دولتهای مرتجع و در راس آنها دولت آمریکا، ماهیت جنگها و بند و بستهای آنها با دول دیگر، و عمق جنایات و توحش مائین کشتار آنها در عراق و افغانستان و کل خاورمیانه را به نمایش گذاشت.

محمک کردن این نهاد از جانب خاتم کلینتون به بهانه به "خطر" افتادن جان ماموران آنها، عکس العمل احمدی نژاد و "پوچ" خواندن اسناد افشا شده، و حاج و واج شدن شیوخ مرتجع کشورهای عربی از رو شدن بند و بست و نقش کثیف آنها، و سر انجام بکار انداختن پلیس بین الملل "اینترپل" به عنوان چماقی در خدمت دولتهای مرتجع فوق و قرار دادن نام جولیان آسنج، مؤسس ویکیلیکس، در لیست تحت تعقیب اینترپل و سرانجام دستگیری او، همه و همه تلاش منبوحنه ای است برای کاستن از دامنه آبروریزی این دولتها، بستن این روزنه بر روی بشریت مدرن، و

صفحه ۴

جمعی از اعضا رهبری حزب حکمتیست

حزب دمکرات کردستان ایران از گذشته درس

نگرفته است

تلاشی عبث میخواید حقایق کارگران، مردم و همه فراوان و واقعیات پایه ای تری از ادبخواهان و نسل جوان که حمله نظامی حزب دمکرات علیه کومه له را موجب شد پرده پوشی کند. ما امضاء کنندگان این بیانیه از اعضای رهبری حزب حکمتیست، به عنوان بخشی از رهبران و مسئولین سیاسی و نظامی آن دوره کومه له قییم و دخیل در نامیده است، حزب دمکرات مردم، به کمونیستها و سازماندهی مقاومت و مبارزه کردستان ایران (جناح مصطفی سازمانهای سیاسی و مخالفین نظامی برحق و سرسختانه هجری) در بیانیه ای حق به خود پرداخته است. با برجسته علیه زورگرایی و تعرض جانب و گستاخانه بار دیگر به کردن تبلیغات ضد نظامی حزب دمکرات علیه سیاستها و فعالیتهای آن دوره ناسیونالیستی آن دوره کومه له کارگران، مردم و سازمانهای حزب کمونیست ایران و کومه به عنوان عامل درگیری سیاسی آن دوره، بر خود لازم له و کمونیستهای مشکل آن نظامی بین "نو سازمان"، در میدانیم مجددا حقایقی را با

صفحه ۲

مصطفی رشیدی

صنعت فحشا در جمهوری اسلامی



گفته میشود بالاتر از سیاهی رنگ دیگری وجود ندارد. این گفته درست نیست. پبیده فحشا و خودفروشی زنان در ایران گواه گویایی در این زمینه است. در دنیای امروز بازار فحشا از جمله جالبیع بزرگی بحساب میاید که میلیونها انسان زن را به کام خود فرو میبرد. تلپند و هند و برزیل از نمونه های گویای آنست. تهران - فقط بعنوان نمونه تمام عیار از شهرهای

متعدد دیگر ایران - باید به این لپیست اضافه شود. و نه فقط این، آمار و شواهد مربوط به بازار فحشا در ایران چشم شما را بنیایی باز میکند که وضعیت دلخراش کننده قربانیان آن دست سیاه ترین بازارهای مشابه را از پشت بسته است. چند صد هزار زن و کودک خردسال در بتلاق فقر و تباهی و قوانین و مناسبات کثیف و ارتجاعی اسلامی فرو رفته اند و پایتی برای این کلبوس متصور نیست. جمهوری اسلامی با همه قوانین و مبابی حکومتی خود قالب و لیاقتهای هر چه مناسبتی را برای رشد این "بازار" بدست میدهد. صنعت بزرگ فحشا، تن فروشی زنان، دیگر یک واقعیت غیر قابل

صفحه ۳

ایست به توطئه تروریستی مشترک دولت آمریکا - اینترپل

علیه موسی و یکی لیکز

اخیرا پلیس بین الملل "اینترپل پُل" نام جولیان آسنج، موسس ویکی لیکز، را هم در لیست آدمهای تحت تعقیب اینترپل قرار داده است. جرم آقای آسنج، فعالیت های اخیر ویکی لیکز، این موسسه غیر انتفاعی و خلاف جریان ژورنالیستی است که دویست و پنجاه هزار سند از پیامها و مکاتبات محرمانه وزارت خارجه و دفاع آمریکا، حجم عظیمی از توطئه های پشت پرده دولت آمریکا در خاورمیانه و در میان سایر دولتهای حاکم،

را افشا کرده است. یکی از موارد جرم آقای آسنج، افشا فیلم شکار و به مسلسل بستن عبرین بی خبر از برنامه قتل شان در عراق است، که توسط خلبان هلیکوپتر آمریکایی، در کمال خونسردی، با دوربین از راه دور، صورت گرفته است. جرم این ژورنالیست در دسترس عموم قرار دادن اطلاعات، مدارک، نقشه ها و برنامه هایی است که مستقیما به زندگی، مرگ، آسایش و امنیت میلیاردها نفر در سراسر جهان مربوط است. امری که به بهانه "امنیت ملی" قرار است با سیاست "دیپلماسی مخفی"، از دسترس عموم دور نگاه داشته شود و برای همیشه مخفی بماند. اینترپل پس از قرار دادن نام شخصت های سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران در لیست تحت تعقیبی ها، امروز

صفحه ۴

تشکیلات بریتانیایی حزب حکمتیست

در دفاع از کارگران زندانی

گزارشی از آکسیون اعتراضی در لندن

به فراخوان اتحاد بین المللی در دفاع از

کارگران در ایران روز شنبه ۴ دسامبر در لندن و مقابل ساختمان بی بی سی بخش فارسی آکسیون در اعتراض به بازداشت و دستگیری گسترده فعالین و رهبران کارگری در ایران برگزار شد. تنها در عرض یکماه گذشته سه نفر از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب دمکرات کردستان...

کومه له انعکاس مبارزه طبقاتی موجود در اعماق جامعه بود. تعرض حزب دمکرات به عنوان حزب بورژوازی و ارتجاع کردستان، قیل از کومه له به روستائیان بی زمین و در دفاع از فئودالها و زمینداران، به کارگران و در دفاع از کارفرماها، از جمله تروریست سلیمان محمدی فعال مبارزات کارگران کوره پزخانه ها، تعرض به خودسازمائیی زحمتکشان و موارد متعددی دستگیری شوراهای منتخب مردم، به مدافعین حقوق زنان و آزادیهای سیاسی و تعرض به فعالیت دیگر سازمانهای سیاسی چپ در کردستان از جمله چریکهای فدایی، وحدت کمونیستی، راه کارگر، طوفان و حمله به مقر پیکار و به قتل رساندن سه تن از مسئولین آن، حمله به غیر مذهبیون و کمونیستها در مقابل مذهب و ارتجاع و ... شروع شد. این کشمکش نظامی تنها یک بعد از جدالهای وسیعتر اجتماعی طبقاتی جاری در جامعه بود. و مهمتر اینکه پشت این کشمکش نظامی، منافع مادی و زمینی متفاوت طبقه کارگر و بورژوازی کردستان خوابیده بود. حزب دمکرات نماینده آگاه بورژوازی برای سد کردن پیشرویهای کارگر و کمونیسم، در یک طرف و در طرف مقابل حزب کمونیست ایران و کومه له کمونیست آن زمان به عنوان پرچمدار اهداف و مطالبات طبقه کارگر و جبهه آزادیخواهی، در برابر هم صف آرای کردند.

آنچه جنگ بین این دو نیرو را اجتناب ناپذیر کرد، این واقعیت انکارناپذیر بود که حزب دمکرات نمی توانست روند روبه گسترش اتحاد و تشکل و خود آگاهی طبقه کارگر و صف آزادیخواهی حول اهداف و سیاست کمونیستها را تحمل کند، منفعت اقتصادی و سیاسی طبقه استثمارگر جامعه کردستان و حزب دمکرات به عنوان نماینده آن نمیتوانست شاهد بالا رفتن توقع و انتظار کارگران، زنان، جوانان و توده مردم از زندگی و طرح مطالبات اقتصادی و سیاسی آنها باشد. نمیتوانست آزادیهای سیاسی را به رسمیت بشناسد. حزب دمکرات برای سد کردن این روند به قدری نظامی و سرکوب علیه کارگران و مردم و سازمانهای سیاسی چپ و کومه له متوسل میشد. به علاوه حزب دمکرات این سیاست زور گویانه را در کنار "لیک گفتن" به خمینی، به عنوان دستمایه حسن نیت نشان دادن به جمهوری اسلامی و جلب توافق با آن قرار داده بود. این حزب در کنار حمله مسلحانه به کمونیستها و سازمانهای چپ و کارگران و مردم، با اسکورت

ستونهای ارتش جمهوری اسلامی به درون پادگنها و حفاظت از آنها در مقابل خشم و اعتراض برحق مردم، تلاش داشت به جمهوری اسلامی نشان دهد که تنها نیروی کنترل کننده اوضاع در کردستان است و جمهوری اسلامی روی آن حساب باز کند.

ب- فعالیت علنی کومه له رادیکال و چپ آن نوره که بعد از انقلاب ۵۷ در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان گسترش پیدا کرده بود و به ویژه با پیوستن کومه له به حزب کمونیست ایران و کمونیسم منصور حکمت بی اما و اگر و آگاهانه تر از قیل، در زمینه متحد و متشکل کردن طبقه کارگر کردستان و صف آزادیخواهی و برابری طلبی پیشروی میکرد، بورژوازی کردستان و حزب دمکرات را نگران کرده بود. سال ۵۹ رهبری وقت حزب دمکرات به رهبری وقت کومه له نامه رسمی نوشته و تهدید میکند "که اگر به انتشار اعلامیه و مطالب تبلیغاتی در رابطه با حزب دمکرات ادامه دهید، نمی توانیم جلو خشم پیشمرگمان را بگیریم."

بر این اساس متعاقباً حزب دمکرات برای مقابله با گسترش نفوذ کمونیستها و کومه له و نشان دادن ظرفیت سرکوب خود به جمهوری اسلامی از خرداد ۵۹ مجموعه ای از تعرضات نظامی موضعی و محلی علیه پیشمرگان، اعضا و هواداران کومه له در مناطق مهاباد، بوکان، سردشت، بانه، دیواندره، کامیاران را تا تحمیل جنگ سراسری در سال ۶۳ در سراسر مناطق کردستان را سازمان داد. در همه این موارد مقاومت و ایستادگی قهرمانانه کمونیستها باعث ناکامی حزب دمکرات و گسترش اعتبار کمونیسم و کومه له قییم در کردستان شد. تحمیل جنگ سراسری به کومه له، آخرین حربه این جریان در تعرض به حق طلبی کارگر و کمونیسم در کردستان بود.

حزب دمکرات در کنگره ششم خود سیاست حمله موضعی به کومه له را به سیاست تعرض نظامی سراسری بسط داد و در پلنوم بعد از این کنگره، اجرای آن سیاست تعرض سراسری را تصویب کرد. در سال ۶۳ و در منطقه "اورامان" با حمله به مقر پیشمرگان کومه له در آن ناحیه، تعرض سراسری خود را آغاز کرد. وقایع آن دوره و تلاش کومه له در آن مقطع برای قانع کردن رهبری وقت حزب دمکرات به معرفی و مجازات مسببین جنایت وحشتناک اورامان به جایی نرسید. همین واقعه و اصرار رهبری حزب دمکرات بر تداوم سیاست جنگ طلبانه

باعث ادامه جنگ سراسری این دو نیرو به مدت چند سال شد. جنگی که نهایتاً با ناکامی و شکست حزب دمکرات و اعلام آتش بس یکجانبه توسط کومه له در بهار سال ۶۷ عملاً به نقطه پایان نزدیک شد. قبول رسمی آتش بس توسط رهبری حزب دمکرات در سالهای بعد، تنها رسمیت دادن به شکست عملی و واقعی جنگ و قدری آن حزب بورژوازی در تعرض به جبهه کارگر و زحمتکش کردستان و به کومه له بود.

ج- جنگ حزب دمکرات علیه کومه له و مبارزه و مقاومت کومه له آن دوره و کمونیستهای متشکل در آن جریان در مقابل آن جنگ، لوحه زرین و تاریخ پرافتخار کمونیستها و جریان کمونیستی ما است که همزمان با سنگربندی محکم در مقابل رژیم هار جمهوری اسلامی، دست تعرض بورژوازی کردستان و حزب مسلح آن علیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش، علیه حقوق کارگران، علیه حقوق زنان و علیه کمونیسم و مدافعین بی اما و اگر آزادیهای سیاسی در جامعه کردستان را کوتاه کرد. ما مقتدریم که در صف جنگ انقلابی کمونیستها و کومه له آن دوره علیه جنگ ضد انقلابی و ضد کارگری حزب دمکرات نه تنها حضور فعال داشتیم، بلکه از رهبران و سازماندهنگان سیاسی و نظامی این مبارزه برحق بوده ایم. در این جدال تعیین کننده و افتخارآمیز ما کمونیستها حزب دمکرات را به مثابه نماینده بورژوازی کردستان به زانو درآوریم و این جریان ضد کارگری و ضد مردمی را سرجای خود نشاندیم.

اگران تاریخ پرافتخار امروز وصال گردن رهبری کونی کومه له است، و با نظریات مشعشع "جدید در دو دهه اخیرشان" این واقعه را نه بخشی از انعکاس تقابل طبقاتی بلکه به "جنگ سازمانی" در غیاب "حضور مستقیم طبقات" تقلیل داده تا با سیاست راست روانه آمارگیری "اشتباهات دو طرف جنگ" و لاجرم قایل اجتناب بودن این رویداد را دستمایه نزدیکی امروز خود با بورژوازی کرد و حزب دمکرات بکند، اگر معامله گران سیاسی امثال عبدالله مهندی و عمر ایلیخانی زاده و گروههای تحت مسئولیتشان از این تاریخ اظهار ندامت میکنند، بگذارحزب دمکرات کردستان و همگان بدانند که ما و همه کمونیستهای متشکل در حزب حکمتیست تصمیم به ایستادگی و مقاومت نظامی در برابر تعرض نظامی حزب دمکرات را در آن دوره مجدداً تأیید و سیاسی جسورانه دانسته و به سهم خود مسئولیت آن مبارزه انقلابی را تماماً به عهده میگیریم.

ما اعلام میکنیم، بازگشت مجدد رهبری حزب دمکرات کردستان ایران - شاخه مصطفی هجری به همان لحن و ادبیات دوره زورگویی و قدری این حزب، بار دیگر این هشدار را میدهد که "در بر همان پائینه میچرخد" و این حزب از گذشته درس نگرفته است. نشان میدهد این حزب در آینده نیز در نظر دارد همان سیاستها و اعمال ضد کارگری و ضد آزادیخواهی و زورگویی گذشته را علیه کارگران و مردم و کمونیستها و نیروهای سیاسی مخالف خود تکرار کند. این مسئله را باید جدی گرفت و کارگران و مردم آزادیخواه کردستان، با اتکاء به نیروی آگاهی، اتحاد و تشکل مبارزاتی خود میتوانند قصد تعرض هر جریانی و از جمله حزب دمکرات علیه حقوق و مطالبات خود را در نطفه خفه کنند. در این راستا ما کمونیستها بار دیگر بر تعهد خود در دفاع از منافع کارگران و توده حق طلب مردم و در دفاع از آزادیهای بی قید و شرط سیاسی پافشاری میکنیم و با تمام توان با اتکا به نیروی جنبش کمونیستی کارگری و تحزب سیاسی قدرتمند آن، تعرضات بورژوازی و حزب دمکرات را سد میکنیم.

نیمه اول دسامبر ۲۰۱۰

امضاها :

حسین مرادیگی (حمله سور)، فاتح شیخ، عبدالله دارابی، رحمان حسین زاده، اسد گلچینی، آذر مدرسی، خالد حاج محمدی، مظفر محمدی، صالح سرداری، سلام زیجی، رحمت فتاحی و محمد فتاحی

برنامه های رادیو پرتو را گوش کنید

www.radiopartow.com

جمعه ۱۹ آذر ۸۹ برابر با ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰

باید از ویکلیس فعالانه دفاع کرد:

گفتگو با بهرام مدرسی

صنعت فحشا در ایران جمهوری

اسلامی: گفتار رادیویی

تن فروشی در لباس صیغه : گفتگو با اعظم کم گویان در باره پدیده فحشا در ایران

گزارش از اجتماع دفاع از کارگران زندانی در ایران

در باره دانشجویان آزادیخواه و

برابری طلب: گفتگو با آسو فتوحی

اصول فعالیت کمونیستی برنامہ

آموزشی : کورش مدرسی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

صنعت فحشا در جمهوری ...

زمانی مجازاتهای سنگین و فشارهای فرهنگی و رسوایی و پیامدهای مرگ آفر فحشا را به خفا میراند. سالهاست کار از این ها گذشته است. همه میبینند که رژیم حاکم خود رسماً و عملاً به این پدیده دامن میزند و برای برکات آن نندان تیز کرده است.

در ادبیات و سیاستهای رژیم کماکان از تن فروشی بعنوان فساد زنان اسم برده میشود. عاقلترینهای مدعی جامعه شناسی و حقوق انسان، پای محرمیتهای جنسی مردان و اثرات طلاق را بمیان میکشند. این مزخرفات محض هستند که در کوچ و خیابان با پوزخند بدرقه میشوند. فحشا و تن فروشی زنان يك جهنم است که تنها با زور و ترور و به ضرب گرسنگی میچرخد. جمهوری اسلامی مائین گرسنگی دادن میلیونها انسان است. در سایه این رژیم نه کار، نه بیمه و امنیت مالی، نه مسکن و مایحتاج پایه، نه امید به فردا بلکه بجای آن فقر و بی پناهی و استیصال بازتولید شده و میشود. تن فروشی بخشی از کابوس حاصل این شرایط است. هنر بزرگ رژیم اسلامی در ایران اینستکه سرنوشت شوم تن فروشی را به واقعیت زندگی کودکان سیزده ساله و کمتر از آن گره زده است. در يك سیکل معیوب و پایان ناپذیر، ابتدا جمهوری اسلامی والین را از تامين کودکان و دفاع و کمک به آنها خلع سلاح میکند، کرور کرور از این کودکان سر از خیابانها در میاورند. در قدم بعد دولت از هر گونه مسئولیت در حمایت از همان کودکان سرباز میزند. پلیس و مقامات امور اجتماعی خیلی وقت است که از "جمعوری" زنان و دختران جوان، از دل بی پناهی مطلق، از میان پارکها و خیابانها دست برداشته است. این زنان و دختران دو دستی تحویل باندهای فحشا میگردند. جمهوری اسلامی تسمه نقاله تولید و بازتولید فحشا در جامعه هفتاد میلیونی است.

اما هنوز باید از نقش فعالتر و مستقیم رژیم در سازمان دادن تجارت فحشا در ایران گفت. همه چیز بروشنی گویای اینستکه که خانه های نیمه مخفی باندهای تجارت سکس در شهرهای مختلف در ایران از نظر مساعد دستگاههای پلیسی و قضایی رژیم برخوردارند. سه هفته پیشتر مقامات امنیتی تهران اعلام کردند که يك محل فروش زنان توسط يك بلد شناخته شده با جرمه ۱۵۰ هزار تومان مجدداً از اجازه ادامه فعالیت خود برخوردار گشته است. شواهد بسیاری دال بر نظارت مستقیم سپاه و مقامات امنیتی در تهران و مناطق دیگر بر امور باندهای سوء استفاده از زنان و تن

هزار زن را در چنگال تجارت مخوف خود دارند. قربانیان این باندها دختران جوانی هستند که میانگین سنی آنها به بیست سال کاهش پیدا کرده است. بازار فحشا در ایران بخاطر دسترسی به کودکان دختر نوازده سیزده ساله از شهرت برخوردار است. کودکان پسر از جمله عوامل رونق بیشتر این بازار بحساب میآید. پدیده ای بنام "دختران فراری"، دختران جوانی که بهر دلیل از خانواده خود میگریزند، از منابع تغذیه بازار باندهای فحشا است که در طی مدت کوتاه و در عرض چند هفته قربانیان تازه ای را برایشان به ارمغان میآورد. اما این هنوز همه تصویر نیست.

در طی سالهای اخیر و با تداوم و گسترش فقر و بیکاری بخش زیادی از جمعیت فروست جامعه را به تباهی رانده است. ابعاد این تباهی زمانی آشکارتر میشود که با عدم وجود هرگونه تامين و بیمه اجتماعی دیگر را نیز به آن اضافه نمود. زنان مجرد، مادرانی که تامين زندگی خود و کودکان خود را بعهده دارند، آسیب پذیرتر از هر بخش دیگری در لبه پرتگاه سقوط قرار گرفته اند. رسانه ها و تجربیات روزمره مردم سرشار از سرگشتگان تکان دهنده زنان و دخترانی است که در لبه این پرتگاه مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند. برای هزاران هزار تن از این زنان، زندگی به جهنمی تبدیل شده است که تن فروشی جزئی از آن است. تهران شهری است که پدیده تن فروشی و بازار فحشا را نه فقط در خانه های رسمی فروش سکس، نه فقط در پاتوق تکراری در خیابانهای معین، بلکه در محلات، در میان زنان خانه دار، در میان قشرهای مختلف و حتی زنان تحصیل کرده میتوان سراغ گرفت. تن فروشی به عنوان يك پدیده گسترده و سازمان یافته به اعماق وجود آن جامعه چنگ انداخته است. تهران فقط يك نمونه است. شهر مشهد و شهرهای بزرگ دیگر دست کمی ندارند.

جمهوری اسلامی سرمنشا و سازمانده فحشا سه سال پیش در يك همایش بررسی آسیبهای اجتماعی تصریح شد که "بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار زن خود فروش در جامعه ما قابل ردیابی هستند". اگر به آمار خود دست اندرکاران باور کنیم در طی سه سال گذشته هزاران دختر جوان و کودک دیگر با میانگین سنی ۱۳ ساله، به این آمار اضافه شده اند. رقم واقعی اما بسیار بیشتر از اینهاست.

فروشی آنهاست. مزدگتی: صیغه بزبان شیرین فارسی! سه هفته پیشتر آیت الله سیستانی در فتوای جنجال آمیزی اعلام کرد که صیغه را میتوان بزبان فارسی و حتی از طرف زن، جاری ساخت. مساله مهم اعلام مدت زمانی و قیمت مورد توافق است. بنا به توصیه ایشان کل مقدمات به چند کلمه ساده خلاصه شد. مراجع مذهبی معظم متعدد نیگری قبلا در اینراه فتوای مشابهی را صادر ساخته بودند. بطور موازی تمامی مائین قانون گزاری و قضایی، مائین تبلیغات دولتی و مذهبی بطرز خیره کننده ای بعنوان جاده صاف کن تن فروشی زنان در قالب قانونی و شرعی آن فعالانه دست بکار بوده اند. صیغه بعنوان محمل شرعی و قانونی تن فروشی زنان از مهمترین مشغله ها و الویت تمامی مراجع و بنگاههای رسمی و غیر رسمی جمهوری اسلامی عمل کرده است.

قبلیتهای رژیم و سیستم عظیم مذهبی و عقبنی جمهوری اسلامی از کسی بدهند؟ تن فروشان بخشی از طبقه کارگر ایران مدرن و به قیمت بهره کشی وحشیانه از طبقه کارگر، ظرفیتهای بالایی را از خود بروز داده است. در این میان باید قابلیت سازمان دادن يك بازار عظیم تن فروشی را به افتخارات چرخاندگان این حکومت اضافه نمود. ظرفیتهای سرکوب و تحقیر حقوق انسانی رژیم بر کسی پوشیده نیست. اما هنوز وجدان انسانی در مقابل جنون مذهبی - قانونی که در آن تن فروشی اینچنین با سهولت موجه و در دسترس قرار گیرد، با مرزهای ناشناخته ای از رژیم حاکم بر ایران آشنا میگردد.

اسلام، مبانی عقبنی و فرهنگی، قوانین و مقررات آن هیولایی است که ذره ذره از ارزش و احترام و حقوق زنان را در تمامی شئون اجتماعی و فردی مورد حمله قرار داده است. بی حقوقی زن، بی ارزشی احساسات و ارزشها و اراده فحشا در ایران واقعیت بخشیده است. این صنعت برای چرخاندگان آن حاوی سودهای سرشار و رویایی است. در عوض میلیونها زن بعنوان قربانیان اصلی این پدیده در معرض سرنوشتی دردناک قرار گرفته اند و هستی و ارزشهای پایه ای انسانی و اجتماعی را برای همه آحاد جامعه و بیش از هرکس طبقه کارگر مورد حمله قرار داده است. در تداوم حکومت جمهوری اسلامی هنوز از سیاهی رنگ بالاتری خواهد بود. به کار این حکومت باید پایان داد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

ویکیلیکس، روزنه ای بر ...

سرپوش گذاشتن بر جنایات و آدم کشی و تروریسم دولتی دولتهای فوق.

جرم ویکیلیکس و مؤسس آن، نشان دادن گوشه ای از جنایات، کشتار، آواره کردن و اعدام مردمی بیگناه است که در عراق، افغانستان و سایر کشورها از جانب دولت آمریکا و باندهای قدرت حاکم، به نام "دفاع از مردم"، "مبارزه با تروریسم" و... به "نمابندگی" از جانب صدها میلیون انسان در آمریکا و اروپا و عراق و ایران و افغانستان و... در کمال خونسردی و با نقشه های تروریستی، قربانی شده اند. جرم ویکیلیکس، مطلع کردن این میلیونها انسان از آنچه است

که دولتها و صاحبان قدرت به نام آنها انجام میدهند. جرم ویکیلیکس در دسترس قرار دادن نقشه ها و اطلاعات و برنامه های پشت پرده این دولتها است که مستقیم به مرگ و زندگی و امنیت میلیاردها انسان در سراسر جهان مربوط است و تحت نام "امنیت ملی" و "حق" دولتها در محرمانه نگاه داشتن برنامه و پروژه و نقشه های خود، سری نگهداشته شده اند. این اتفاق در عین حال ماهیت مدیای رسمی را هم بر ملا کرد، که کل این جنایات را با تبلیغات دروغین و ریاکاری پرده پوشی کرده و میکنند. مدیایی که هنر و

مهارت مهندسی کردن "افکار عمومی" در خدمت قدرتهای حاکم را خوب میدانند. افشاگری ویکیلیکس بار دیگر چهره فاسد، دروغگو و کثیف مافیاهای مدیای رسمی، که در سراسر جهان امروز در کنار دستگاههای اطلاعاتی و نظامی، رسماً بخشی از سیستم های حکومتی است، را در مقابل چشمان مردم قرار داد.

اینترنل پیشتر به عنوان چماق وزارت اطلاعات ایران ظاهر شد و اسامی بخشی از شخصیت‌های سیاسی و مخالف جمهوری اسلامی، و بویژه تعداد زیادی از رهبران حزب حکمتیست را به جرم مخالفت با جمهوری اسلامی در لیست تحت تعقیبی ها قرار داد. این نهاد امروز این سناریو را علیه جولیان اسلنج، مؤسس ویکیلیکس، و در خدمت پنتاگون و بنیان کشتار میلیونی مردم در عراق و افغانستان و... تکرار کرده است. این اتفاق بار دیگر نشان داد که اینترنل چماقی در دست دولتهای مرتجع‌ی چون آمریکا و ایران و... بیش نیست و بخشی از دستگاههای اطلاعات و سرکوب سیاسی دولتها است.

قرار دادن نام آقای اسلنج در لیست اینترنل، بستن حساب بانکی ویکیلیکس، و ممانعت از کمک مالی به این مؤسسه، و سرانجام دستگیری اسلنج و متهم کردن او به جرایم اعلام شده دادگاهی در سوئد، درست روزی که او جنایات دول "محترم" غربی را برملا میکند، عکس العمل و توطئه

مشترک دول غربی علیه فعالیت های ویکیلیکس در سوراخ کردن دیوار بلند و زخیم سانسور این دولتها است. در کمال وقاحت دول "محترم" غربی، هم چون جمهوری اسلامی، برای این مخالف سیاسی خود پرونده "منکراتی" ساخته اند، تا جرم سیاسی او را که افشا پاره ای از حقایق است که مردم حق دارند آن را بدانند، بپوشانند. به این ترتیب میخواهند نسق بگیرند که در مقابل اقدامات مشابه ویکیلیکس، با به خدمت گرفتن پلیس بین المللی و دادگاه و قتل و ساختن پرونده منکراتی، مقابله خواهد شد و این سرنوشت کسانی خواهد بود که علیه منافع قدرتهای حاکم جسارت کرده و مردم را از برخی حقایق مطلع میکنند.

ماجرای ویکیلیکس به هر جا کشیده شود، تا همین جا در مقابل طبقه کارگر و مردم کشورهای غربی که زیر فشار بحران اقتصادی مورد تعرض وسیع قرار گرفته اند، و هنوز نیوارهای اعتماد آنها به دولتهای حاکم و احزاب پارلمانی نریخته است، این سوال را قرار میدهد که با این همه پرونده کثیف، با این همه دروغ و ریاکاری، با این همه توطئه و جنایت و کشتار که به نمابندگی از آنها و توسط "نول منتخب" آنها صورت میگیرد، سقف این اعتماد کجا است، و این نیوار چه زمانی فروخواهد ریخت!

این اتفاق بار دیگر چشم طبقه کارگر و بشریت متمدن را به گوشه ای از حقایق جهان امروز، به ماهیت دولتهایی که بر مسند قدرت نشسته و به نام "امنیت مردم"، با استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و تکنیکی بشر، بر زندگی و خصوصی ترین لحظات نیست و برخاست مردم هم چنگ انداخته اند، را باز میکند.

دفاع از ویکیلیکس، دفاع از حقوق اولیه مردم جهان در دسترسی به اطلاعاتی است که به کار و زندگی و امنیت و آسایش آنها مربوط است. این دفاع از حق اعتراض به دیپلماسی سری و پشت پرده دولتها و حاکمین نیای امروز است. جرم جولیان اسلنج، مطلع کردن مردم و در دسترس قرار دادن گوشه ای از خروارها اطلاعات و تصمیمات مخفیانه و زد و بند دولتها و باندهای مافیائی قدرت در دنیا است. دولتهایی که زندگی میلیاردها انسان را، در خدمت تحمیق و اسارت همگان، در خدمت حفظ سلطه و اقتدار خود و به تاراج بردن ثروت و دارائیهای جهان، به بازی گرفته اند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۸ آذر ۱۳۸۹ - ۹ دسامبر ۲۰۱۰

ایست به توطئه تروریستی....

است. حقی که سانسور و کنترل انحصاری قدرتهای اقتصادی و سیاسی در سراسر جهان، آن را از دسترس مردم دور کرده است. این تنها جمهوری اسلامی ایران و به اصطلاح دول "توتالیتر" در سطح جهان نیستند که تلاش میکنند با اعمال کنترل کامل دولتهایشان بر اطلاعات مربوط به سیاست هایشان، مردم را در تاریکی کامل نگاه دارند، و دیوارهای ضخیم سانسور شان را حفظ کنند. دول غربی و در راس آنها دولت آمریکا در این زمینه پیامبر دیگران است.

قرار دادن نام آقای اسلنج در لیست اینترنل، و ممنوع کردن موسسه او در استفاده از شبکه جمع آوری کمک مالی با استفاده از "پی پال"، قرار است هم دهان آقای اسلنج را ببندد و هم برای سایرین درس عبرت و ارعابی باشد که به فکر شکستن نیوارهای سانسور و افشا توطئه های پشت پرده دولت آمریکا و سایر قدرتهای سیاسی و اقتصادی جهان، نیفتند.

تنها و تنها اعتراض و فشار و "ایست" محکم نیروهای مترقی و آزادیخواه، مخالفین سانسور و معترضین به انحصار قدرتهای حاکم در کنترل دسترسی به اطلاعات مورد نیاز مردم، میتواند در مقابل این سیاست ارعاب، سد ببیند. کسی حق ندارد دسترسی همگان به اطلاعات سیاسی، مدارک مستقیماً مربوط به نیازهای امنیتی، پزشکی، کاری، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و هرآنچه که مربوط به سوخت و ساز زندگی امروز بشر است، را سد کند. یک راه خنثی کردن توطئه های پشت پرده دولتهای حاکم و قدرت های سیاسی و اقتصادی، شفافیت و دسترسی مردم به اطلاعات دولتی و نهاد های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در تمام سطوح است.

کمپین "ایست" همه مردم آزادیخواه و مخالف سانسور، مخالف پلیسی کردن دسترسی عموم به اطلاعات، مخالفین دیپلماسی مخفی، را دعوت میکند که به توطئه مشترک دولت آمریکا و اینترنل اعتراض کنند.

کسی حق تعرض به زندگی، کار، سلامت، امنیت کاری و حقوقی، آقای اسلنج را ندارد. جرم آقای اسلنج، سیاسی و از جنس جرائم سیاسی مخالفین جنگ ویتنام، مخالفین اعدام، مخالفین سانسور، و مخالفین ترور و جنگ است. پلپوش دوزی و توطئه علیه او محکوم است.

سخنگوی کمپین، ثریا شهابی: تلفن: 02032873558 (44)
stop.terror.conspiracy@google.com
www.hekmatist.com

در دفاع از کارگران...

دادگاه تجدید نظر اهواز به ۶ ماه زندان محکوم شد. همچنین دو نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به اسامی صدیق خسروی و ابراهیم اسماعیلی در آباماه گذشته توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی روبرو شدند بطوریکه که هنوز خبری از سرنوشت آنها در دست نیست. برای آزادی رضا شهبلی قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی به اضافه همکاری با رژیم گذاشته اند و رضا شهبلی در حال حاضر در اعتصاب غذا به سر میرد و جانش در خطر است.

تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست به سهم خود از آکسیون اعتراضی در دفاع از کارگران زندانی استقبال کرد. از سوی دیگر این حرکت با حمایت اتحادیه کارگران قطار و کشتی رانی در لندن با سخنرانی مسئول این اتحادیه در محکومیت بازداشت فعالین کارگری و اعلام همبستگی و هم سرنوشتی با کارگران ایران در دوره ای که بورژوازی در سطح دنیا هجوم خود را به سطح معیشت و زندگی میلیونها کارگر را شروع کرده مواجه شد. در این آکسیون جمال کمناگر از طرف تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست، در دفاع از کارگران زندانی به عنوان یک میدان جدی مبارزه برای دفاع از معیشت طبقه کارگر و اهمیت اتحاد و همبستگی با مبارزات کارگران در ایران سخنرانی کرد. از طرف بخش فارسی بی بی سی از این آکسیون فیلمبرداری شد و با تعدادی از حاضرین مصاحبه به عمل آمد.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست

۵ دسامبر ۲۰۱۰

نشریه حزب کمونیست
کارگری حکمتیست
سردبیر: خالد حاج
محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم